



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

موضوع جزئی: احکام عقد - مسأله ۱۰ - اعتبار تنجیز در عقد - صور مهم مسأله

تاریخ: ۱۲ دی ۱۴۰۱

مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۳۱

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله دهم درباره اشتراط تنجیز بود، اینکه عقد اگر بخواهد صحیح واقع شود، حتماً باید منجز باشد و تعلیق در عقد مبطل است. لکن عرض کردیم از آنجا که تعلیق دارای اقسامی است، صور مختلفی قابل تصویر است و چون بین این صور از جهاتی تفاوت‌هایی وجود دارد، بهتر آن است که صور مهمه این بحث را اجمالاً بیان کنیم و ببینیم در کدام یک از این صور مسأله مورد اتفاق است و کجا محل اختلاف.

صور مهم مسأله

براساس اقسامی که برای تعلیق و معلق علیه وجود دارد، حدود ۱۶ صورت را مرحوم شیخ ذکر کرده‌اند که از این ۱۶ صورت، برخی مهم‌تر هستند و بیشتر مورد نیاز می‌باشند.

صورت اول

صورت اول آنجایی است که معلق علیه و شرط یک امر حالی و قطعی الحصول باشد؛ یعنی مربوط به زمان آینده نیست، مربوط به همین زمان است و الان هم حاصل است. مثلاً در روز جمعه که هر دو هم می‌دانند امروز روز جمعه است، می‌گوید این کان هذا الیوم یوم الجمعة فزوجتک بكذا؛ طرفین می‌دانند الان روز جمعه است، لکن عقد را منوط و معلق می‌کنند به این شرط که الان حاصل است و حصول آن قطعی است.

این فرض ظاهراً محل اختلاف نیست که صحیح است و عقد در آن مشکلی ندارد، همانطور که در متن تحریر هم اشاره شد، «لو علّقه علی أمر محقق الحصول کما إذا قال فی یوم الجمعة «أنکحت إن کان الیوم یوم الجمعة» لم یبعد الصحة». اشاره کردیم که چرا ایشان گفته‌اند صحت بعید نیست. مرحوم سید هم در مسأله یازدهم بعد از بیان شرطیت تنجیز، فرموده «نعم، لو علّقه علی أمر محقق معلوم کأن یقول إن کان هذا یوم الجمعة زوجتک فلانة مع علمه بأنه یوم الجمعة صحت و أما مع عدم علمه فمشکل»، ایشان بین دو صورت علم و عدم علم فرق گذاشته‌اند؛ اگرچه این تفصیل در عبارت تحریر وجود ندارد. آنچه اینجا محل بحث در صورت اول است، این است که شرط یک امر محقق قطعی الحصول است و مربوط به زمان حال است.

صورت دوم

صورت دوم آنجایی است که معلق علیه یک امر حالی ولی مشکوک الحصول باشد، نه قطعی الحصول و آنچه که به عنوان شرط ذکر شده، شرط صحت عقد هم باشد. مثلاً می‌گوید اگر این مال، مال من باشد، این کان هذا لی فقد بعنتک ایاه، اگر این مال برای من باشد، من این را به تو می‌فروشم. یا مثلاً کسی نمی‌داند که این دختر اوست، می‌گوید اگر این دختر من باشد، او را به

زوجیت تو درمی آورم. عقد در اینجا معلق شده بر یک امر حالی ولی مشکوک الحصول؛ معلوم نیست که آیا واقعاً دختر او هست یا نه؛ مشخص نیست که این مال او هست یا نه.

اینجا ظاهر کلمات اصحاب بطلان عقد است، اما در اینکه چرا این عقد باطل است، بحث است و باید اقوال و انظار را ببینیم. یکی از مواردی که به نحو قطعی محل بحث است، همین جاست.

صورت سوم

صورت سوم آنجایی است که عقد معلق شود بر یک امری که در آینده تحقق پیدا می کند ولی به نحو شرط مقارن اخذ شده باشد، بدین معنا که اگر آن شرط در آینده تحقق پیدا کرد، عقد از همان زمان واقع شود. اینجا تارة این شرط قطعی است، مثلاً می گوید اگر ماه آینده ماه رجب باشد، من تو را به زوجیت خودم در آوردم؛ یا از یک ماه دیگر که ماه رجب باشد، أنت زوجتی. پس شرط قطعی الحصول است و مربوط به آینده است، بعداً تحقق پیدا می کند، ولی به نحو مقارن اخذ شده؛ یعنی زوجیت از یک ماه دیگر حاصل می شود، نه اینکه از الان حاصل شود.

صورت چهارم

صورت چهارم آنجاست که عقد معلق شود بر امری در آینده به نحو شرط مقارن ولی قطعی هم نیست. اینجا آقایان ادعای بطلان این دو صورت را دارند، اعم از اینکه این شرط قطعی باشد یا نباشد. ادعای اجماع و اتفاق هم بر بطلان این عقد صورت گرفته است؛ اینکه چرا در اینجا عقد باطل است، باید ادله اینها را بحث کنیم. اینها را ذکر می کنم تا محل نزاع تبیین شود که نزاع در چه صورت است؛ هم دلیل عقلی و هم دلیل نقلی اقامه کرده اند. تا اینجا چهار صورت می شود؛ یعنی شرط مقارن به نحو قطعی الحصول یا مشکوک الحصول؛ یعنی معلق علیه یا شرط یک امر استقبالی باشد به نحو قطعی الحصول، یا امر استقبالی باشد به نحو مشکوک الحصول.

صورت پنجم

گاهی معلق علیه یک امر استقبالی و مشکوک الحصول است، لکن به نحو شرط متأخر اخذ شده است؛ به این معنا که اگر آن شرط در آینده تحقق پیدا کرد، از الان این زوجیت محقق شده باشد. مثلاً می گوید اگر من در فلان مسأله موفق شوم، تو زوجه من باش؛ وقتی می گوئیم به نحو شرط متأخر، معنایش این است که از همین الان زوجه من باش. شرط بعداً تحقق پیدا می کند ولی زوجیت از زمان عقد حاصل شود. پس امر استقبالی و مشکوک الحصول به نحو شرط متأخر اخذ شود. این صورت را هم گفته اند مسلماً باطل است و ادعای اتفاق بر آن شده که دلیل آن را باید ببینیم.

صورت ششم

گاهی معلق علیه و شرط یک امر مربوط به آینده و مستقبل و در عین حال قطعی الحصول باشد، ولی به نحو شرط متأخر اخذ شود. مثلاً می گوید این کان غدأ یوم الجمعة فزوجتک بكذا و معلوم است که فردا حتماً روز جمعه هست و علم دارد و می داند فردا روز جمعه است، لکن به نحو شرط متأخر؛ یعنی می گوید اگر فردا روز جمعه باشد، تو از همین الان زوجه من هستی. معنای شرط متأخر همین است؛ یعنی از زمان عقد، زوجیت محقق شود. فرض هم این است که علم دارند به اینکه فردا روز جمعه است.

این فرض محل بحث است که آیا عقد صحیح است یا باطل. عبارت ها مختلف است؛ بسیاری اینجا حکم به بطلان کرده اند؛

مرحوم آقای خویی این صورت را صحیح می‌دانند؛ این بحث دارد.

پس در برخی صورت‌ها عقد به نحو یقینی صحیح است و مشکلی ندارد، مثل صورت اول؛ برخی صور به نحو قطعی باطل است، که باید ادله بطلان را در آنها بررسی کنیم و ببینیم چرا در این صور عقد باطل است و معلوم شود مشکل تعلیق چیست؟ هم دلیل عقلی و هم اجماع در این مسأله وجود دارد که باید بررسی شود و ببینیم این اجماعی که ادعا شده، واقعاً محقق است یا نه. در برخی صور هم اختلاف است. باید ببینیم ادله‌ای که بر بطلان تعلیق اقامه شده، چیست. اجمالاً این شش صورتی است که در این بحث می‌توانیم ذکر کنیم که البته عرض کردم اینها صور مهمه در تعلیق است، صور دیگری در اینجا وجود دارد که خیلی اهمیتی ندارد. ما باید ادله بطلان تعلیق را بررسی کنیم؛ چند دلیل بر بطلان تعلیق یا اشتراط صحت عقد به تنجیز بیان کرده‌اند، این را باید ذکر کنیم. در آن مواردی که اختلاف است، ادله طرفین را بررسی کنیم و ببینیم باید حکم به صحت شود یا بطلان. اینها بحث‌هایی است که ان شاء الله دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»